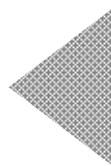


ضرورت یا عدم ضرورت پابندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: دیدگاه‌های رقیب



ابوالقاسم توحیدی نیا^۱

حمید نصیری^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۵/۲۲ - تاریخ تصویب ۹۷/۹/۳)

چکیده

نظام بانکی در همه نظام‌های اقتصادی یکی از ارکان اصلی است که عملکرد درست و اصولی آن تأثیر بسزایی در رشد و توسعه کشور خواهد داشت. یکی از مهمترین موضوعاتی که در نظام بانکی مطرح است و می‌تواند کارکرد این نظام را به اختلال بکشاند، بحث ریسک است. از آنجایی که تضمین نگهداری سرمایه‌های معتبر موجب کاهش ریسک‌پذیری و احتمال ورشکستگی بانک‌ها می‌گردد، لذا یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد و سلامت بانک‌ها از جهت ثبات و پایداری، نسبت کفایت سرمایه می‌باشد.

در این پژوهش بر اساس روش تحلیلی - توصیفی پس از بررسی مبانی نظری نسبت کفایت سرمایه، ماهیت بانکداری اسلامی و اصول حاکم بر آن تبیین می‌شود. سپس در مورد اهمیت نسبت کفایت سرمایه در این نوع بانکداری به طرح دیدگاه‌های رقیب پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در زمینه اجرای استاندارد کفایت سرمایه متعارف در

۱- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، a.tohidinia@ut.ac.ir

۲- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

بانک‌های اسلامی، دو گروه صاحب‌نظر وجود دارند: گروه اول که اعتقاد به عدم کارایی استانداردهای کفایت سرمایه متعارف در بانکداری اسلامی دارند. گروه دوم که با اعمال تغییراتی در نسبت کفایت سرمایه متناسب با ویژگی‌های بانکداری اسلامی، موافق اجرای استانداردهای کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی هستند. این گروه خود دارای دو نوع دیدگاه مختلف و متضاد می‌باشند: گروه الف) که اعتقاد به تغییری دارند که منجر به نگهداری سرمایه بیشتر نسبت به متعارف می‌شود و گروه ب) که اعتقاد به تغییری دارند که منجر به نگهداری نسبت سرمایه کمتر نسبت به بانکداری متعارف می‌شود.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربا، ریسک‌های بانکی، نسبت کفایت سرمایه

مقدمه

از جمله مسائل مهم در صنعت بانکداری، احتمال ورشکستگی و ناتوانی بانک‌ها در انجام تعهدات مالی ایجاد شده است که با شدت گرفتن روند خصوصی سازی و دور شدن نظام بانکی از فضای امن مالکیت دولتی، بانک‌ها را با چالش بزرگ در زمینه ادامه فعالیت خود مواجه ساخته است (منصوریان نظام‌آباد و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸). در این راستا میزان سرمایه مناسب و کافی یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است و هریک از بانک‌ها و موسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت‌های خود باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی‌های خود برقرار نمایند. تاملی گذرا در نظریه بانکداری، به وضوح گویای آن است که تمام ابعاد و جنبه‌های گوناگون نظام بانکی هر کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم متأثر از سرمایه در دسترس و امکان کسب بازده مورد انتظار از محل آن است. در حقیقت سرمایه به عنوان ابزار جذب و رفع نیازهای احتمالی، مبنایی برای جلب و حفظ اعتماد و اطمینان مشتریان به بانک محسوب می‌گردد. امنیت و ثبات سیستم مالی بستگی به میزان اطمینان سپرده‌گذاران و اعتبار دهندگان به بانک و سیستم بانکی دارد (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

در ارزیابی امنیت و سلامت بانک، سرمایه یکی از عوامل اصلی و کلیدی است. از عمده شاخص‌های انعکاس دهنده میزان سرمایه لازم جهت حفظ سلامت کلی یک بانک در مواجهه با ریسک، نسبت کفایت سرمایه می‌باشد. مبنای کفایت سرمایه در تأمین امنیت فعالیت‌های بانک در قبال ریسک، یک عامل تأثیر گذار است. سرمایه، زیان‌های احتمالی را پوشش می‌دهد و در

نتیجه، زمینه را برای حفظ اعتماد سپرده‌گذاران بانک فراهم می‌سازد (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). بحث ریسک^۱، ورشکستگی و هزینه‌های ناشی از آن در بانکداری اسلامی نیز مطرح می‌باشد. از این رو، گروهی از صاحب نظران اقتصادی (مانند عییدالله^۲، ۱۹۹۸)، ترک آریس و یولا سری الدین^۳ (۲۰۰۷)، منظور و یادی پور (۱۳۸۷)) معتقدند که در بانکداری اسلامی نیز به منظور حفاظت از سپرده‌گذاران و سهامداران و همچنین جلوگیری از ایجاد مشکلات برای دولت، نیاز است که بانک‌ها از الزامات نسبت کفایت سرمایه به منظور جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها استفاده کنند اما بحث آن است که با توجه به ماهیت و ویژگی‌های خاص بانکداری بدون ربا که مبتنی بر ممنوعیت ربا (بهره) و بر اساس بکارگیری عقود اسلامی است، آیا چنین تفاوت‌هایی می‌تواند منجر به ایجاد تفاوت‌هایی در مبحث اهمیت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف گردد؟ و آیا به کارگیری نسبت کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا نیز به همان میزان بانکداری متعارف ضرورت دارد؟ به منظور پاسخگویی به سوال بالا از روش تحلیلی - توصیفی استفاده گردیده و با مراجعه به منابع اسنادی به مرور مبانی نظری کفایت سرمایه در بانکداری متعارف و بدون ربا پرداخته شده است.

مبانی نظری کفایت سرمایه^۴

مشکلات پدید آمده در بازپرداخت وام‌های بانکی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، اهمیت برخوردارِ بانک‌ها از سرمایه کافی در مواجهه با خطرهای ناشی از عدم ایفای تعهدات از سوی وام‌گیرندگان را آشکار ساخت. یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد و سلامت بانک‌ها، نسبت کفایت سرمایه^۵ است. لذا برای مقابله با این تجربیات ناخوشانید، اصلاح مقررات ناظر بر اندازه‌ی مناسب سرمایه بانک‌ها در کانون توجه مجامع نظارت بانکی قرار گرفت. این نسبت

۱- در دیدگاه آموزه‌های اسلامی اگر ریسکی که سرمایه‌گذار در فرآیند سرمایه‌گذاری تحمل می‌کند ریسکی مفید، مولد و قابل کنترل باشد، پذیرش آن و کسب درآمد حاصل از آن جایز است. در غیر اینصورت تحمل ریسک سرمایه‌گذاری با تردید و ابهام شرعی روبه‌رو است (مصباحی مقدم، صفری، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

۲ - Mohammad Obaidullah

۳ - Rima Turk Ariss and Yolla Sarieddine

۴- مبانی نظری مربوط به کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی در بخش بعدی مقاله تبیین خواهد شد. ۴-

۵ - Capital Adequacy Ratio

اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بازل^۱ واقع در شهر بازل سوئیس (که توسط بانک تسویه بین المللی^۲ در سال ۱۹۷۴ تأسیس گردید)، به بانک‌های فعال دنیا معرفی شد (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۷۱). بنابر تعریف ارائه شده توسط کمیته بازل، نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه (شامل سرمایه درجه یک و سرمایه درجه ۲) به مجموعه دارایی‌های موزون شده به ضریب ریسک برحسب درصد می‌باشد (منظور و مهدی یادی پور، ۱۳۸۷: ۳).

$$r_{Car} = \frac{\text{Tire1 capital} + \text{Tire2 capital}}{\text{Risk weighted assets}}$$

$$\text{نسبت کفایت سرمایه (CAR)} = \frac{\text{سرمایه درجه ۱} + \text{سرمایه درجه ۲}}{\text{کل دارایی‌های موزون شده}} \geq ۸$$

نسبت کفایت سرمایه در بال ۱ و بال ۲ حداقل ۸ درصد در نظر گرفته شده است که در بال ۱ فقط ریسک اعتباری^۴ و در بال دو علاوه بر ریسک اعتباری، ریسک بازاری و ریسک عملیاتی را مد نظر قرار داده بود. در بال ۳ که به دنبال بحران مالی سال ۲۰۰۸ از جانب کمیته بال به منظور حفاظت بیشتر از بانک‌ها و حمایت سپرده گذاران انتشار یافت، حداقل نسبت کفایت سرمایه را با تعیین ۲.۵ درصد سطح سرمایه حفاظتی که به سرمایه درجه ۱ اضافه می‌شود، به ۱۰.۵ درصد افزایش داد. علاوه بر این ۳ درصد نیز به عنوان نسبت بدهی برای جلوگیری از مشکلات ایجاد شده مربوط به وزن دهی ریسک دارایی‌ها در نظر گرفته است که نسبت کفایت سرمایه را تا

۱- کمیته بازل برای نظارت بانکداری در اواخر سال ۱۹۷۴ به وسیله سران کشورهای عضو گروه ۱۰ (شامل بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، سوئد، انگلستان و ایالات متحده به همراه اسپانیا و لوکزامبورگ) تشکیل شد که نمایندگی کشورهای عضو بر عهده بانک‌های مرکزی آن‌ها بود. کمیته از قدرت نظارت فراملی بر اعضای خود برخوردار نیست و نتایج تصمیماتش نیز ضمانت اجرایی و قانونی ندارد. باین وجود، استانداردها و دستورالعمل‌های کلی نظارتی، از جمله استانداردهای نگهداری سرمایه‌ای مناسب در بانک‌ها را در قالب بیانیه‌های تدوین و اجرای آن‌ها را به اعضای خود از طریق برقراری ترتیبات قانونی در داخل مرزهای ملی توصیه می‌کند.

۲- Bank for International Settlements

۳- Capital Adequacy Ratio

۴- کمیته بال پس از انتشار بیانیه بال ۱، در الحاقیه‌ای موسوم به الحاقیه ۱۹۹۸ به معرفی و انتشار دستورالعمل‌های مربوط به ریسک بازار اقدام نمود.

===== ضرورت یا عدم ضرورت پایبندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: ... ۱۹۱

سطح ۱۳.۵ درصد افزایش می دهد (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

به طور خلاصه می توان تحولات بیانیه بال در زمینه کفایت سرمایه را در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول (۱) - تحولات بیانیه بال در زمینه الزامات کفایت سرمایه

بال ۱	بال ۲	بال ۳
- چارچوب کفایت سرمایه	- چارچوب کفایت سرمایه	- چارچوب کفایت سرمایه
- معرفی ریسک اعتباری	- معرفی ریسک عملیاتی در	- ارائه سطوح سرمایه و محافظ
- معرفی اوزان ریسکی	- کنار ریسک اعتباری و بازار	- های سرمایه ای
- معرفی ریسک بازار در	- فرآیند نظارتی	- پوشش بهتر ریسک
- الحاقیه ۱۹۹۸	- انضباط بازار و الزامات	- نسبت اهرامی
- تعریف سرمایه	- افشاگری	- اصول کفایت سرمایه

منبع: یافته های محقق

نسبت کفایت سرمایه ی بانک یک مفهوم نسبی است؛ چرا که میزان و مناسب بودن آن بستگی به عوامل متعددی دارد که طبق یافته های پژوهش انجام شده توسط منصوریان نظام آباد و همکاران (۱۳۹۵: ۱۴)، این نسبت با اندازه بانک^۱، بازده دارایی ها^۲ در بانک های خصوصی و حقوق صاحبان سهام^۳ در بانک های تجاری دولتی رابطه مثبت و معناداری دارد ولی در مورد اهرم مالی^۴، بازده دارایی ها در بانک های تجاری دولتی و بازده حقوق صاحبان سهام در بانک های خصوصی رابطه منفی و معناداری دارد.

لذا معمولاً کفایت سرمایه بر حسب نسبت سرمایه به دارایی ها تعیین می شود و شاخصی از توانایی بانک در جذب آثار منفی ناشی از زیان های احتمالی خود، به شمار می رود. به این ترتیب هر

۱- اندازه بانک به وسیله ارزشیابی کل دارایی های بانک سنجیده می شود و اهمیت آن به علت رابطه آن با ساختار مالکیت و دسترسی به سرمایه سهام می باشد.

۲- بازده دارایی ها نشان دهنده مدیریت کارآمد در رابطه با استفاده از دارایی ها در جهت تولید سود (دارایی مولد) می باشد، که از طریق تقسیم سود سالیانه به کل دارایی شرکت محاسبه می شود.

۳- حقوق صاحبان سهام نشان دهنده قدرت شرکت در کسب سود از منابعی است که سهامداران در اختیار شرکت قرار داده اند.

۴- بیانگر درصدی از بدهی ها است که به وسیله سرمایه پوشش داده می شود.

چقدر نسبت سرمایه به دارایی موزون شده به ضریب ریسک بزرگتر باشد، به معنی پوشش بالاتر دارایی‌های بانک توسط سرمایه یا به عبارت دیگر کفایت بالاتر سرمایه در مقابل زیان‌های احتمالی است که مانع از ورشکستگی بانک می‌شود.

پیشینه تحقیق

در این بخش پژوهش‌هایی که بیشترین ارتباط را با پژوهش حاضر دارند، در قالب دو بخش مجزاء مطالعات داخلی و مطالعات خارجی، به اختصار مرور گشته‌اند:

الف) مطالعات داخلی

محمودوند و محمدی (۱۳۸۶) به بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلاتی که با استفاده از عقود اسلامی پرداخته شده‌اند در بانک‌ها و موسسات مالی پرداخته‌اند. به صورت تصادفی میزان تسهیلات پرداختی با استفاده از عقود مضاربه، جعاله، فروش اقساطی و قرض الحسنه در بانک ملی ایران شعبه شهرستان تویسرکان در سال ۱۳۸۴ انتخاب کرده‌اند. نتایج تحقیقات آنها حاکی از آن است که، تمرکز ریسک در پرتفوی تسهیلات که با عقود اسلامی پرداخت می‌شود کم است.

منظور و یادی پور (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی" به بررسی جایگاه کفایت سرمایه به عنوان معیاری برای تشخیص سلامت بانک‌ها با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، پرداخته‌اند. برای نشان دادن متفاوت بودن نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی، داده‌های مربوط به بانک ملی ایران بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ را با استفاده از ریسک تعیین شده توسط طریق الله خان برای عقود اسلامی را بررسی می‌کنند. نتایج نشان دهنده بالاتر بودن نسبت کفایت سرمایه برای بانک ملی در سال‌های مورد مطالعه با در نظر گرفتن ریسک‌های مختص عقود اسلامی به نسبت حالت متعارف و در نظر گرفتن ریسک صد درصد^۱ برای عقود می‌باشد. پاشایی فام (۱۳۹۱) به بررسی نقش مقررات و اصول کمیته بازل در نظام بانکی کشور با تأکید بر

۱- زمانی که ریسک یکی از انواع دارایی‌ها صد درصد در نظر گرفته می‌شود، بدین معنا است که این نوع دارایی با ضریب یک در مخرج وارد می‌شود. در نتیجه، برای رعایت الزام نسبت کفایت سرمایه ۸ درصد باید سرمایه بیشتری نگهداری شود تا صورت کسر بزرگ شود. در مقابل، زمانی که گفته می‌شود ریسک یک دارایی صفر است یعنی این دارایی در مخرج نسبت کفایت سرمایه، لحاظ نمی‌شود و نیازی به نگهداری سرمایه جهت پوشش ریسک این دارایی نیست اگر چه که این دارایی جزء اقلام دارایی‌های بانک محسوب می‌شود.

===== ضرورت یا عدم ضرورت پایبندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: ... ۱۹۳

ارزیابی ریسک‌های مرتبط با عقود اسلامی با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی پرداخته است. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که به دلیل ماهیت بانکداری اسلامی و ساز و کار متناظر با آن، به طور یقین تجدید نظر در بیانیه کمیته بازل درباره نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی امری ضروری است. علاوه بر این، از آنجایی که نظام بانکداری ایران اسلامی بوده، رعایت اصول هیأت مالی اسلامی در مورد نسبت کفایت سرمایه حائز اهمیت است.

پهلوان زاده (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان "مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها براساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل" و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، در بخش اول پژوهش خود به بررسی نسبت کفایت سرمایه در بیانیه اول و دوم بال پرداخته است.

در بخش دوم پژوهش خود به بررسی الزامات بال در بانک‌های اسلامی می‌پردازد و بیان می‌کند که، استفاده از مفاهیم بیانیه دو بازل در تدوین استانداردهای ناظر بر فعالیت بانک‌های اسلامی، منجر به آغاز تلاش‌هایی برای کاربردی کردن این مفاهیم با توجه به ویژگی ریسک‌های مربوطه در بانک‌های اسلامی شده است که هم اکنون نیز ادامه دارد.

در بخش سوم پژوهش خود معیارهای کمیته بال در بانکداری ایران را بررسی می‌کند. نظرات ایشان حاکی از آن است که با توجه به عقب ماندگی اجرای مقررات بال در ایران، باز هم این مقررات به طور کامل اجرا نشده‌اند و اجرا شدن کامل و بدون نقص آن نیازمند فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای قانونی و مقرراتی می‌باشد.

ب) مطالعات خارجی

عبیدالله^۱ (۱۹۹۸) در پژوهش خود با عنوان "قاعده کفایت سرمایه برای موسسات مالی اسلامی" با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، استدلال می‌کند که کاربرد یکسان کفایت سرمایه برای هر دو بانک اسلامی و متعارف تبعیض آمیز بوده و مغایر با هدف قوانینی که درصدد ایجاد شرایط یکسان رقابتی برای بانک‌ها در سرتاسر جهان هستند، می‌باشد. دلیل این امر در متفاوت بودن کارکرد سیستم بانکداری اسلامی به لحاظ ریسک و مقدار آن از بانکداری متعارف است.

ترک آریس و سری الدین^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "چالش‌های اجرای الزامات کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی" با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی نسبت کفایت سرمایه ارائه شده توسط IFBS^۲ و AAOIFI^۳ می‌پردازند و بیان می‌کنند، از آنجایی که بانک‌های اسلامی از قاعده PLS استفاده می‌کنند در نتیجه سپرده‌گذاران در این سیستم نقش خنثی ندارند. علاوه بر این، از آنجایی که در فعالیت‌های اسلامی از دارایی‌های واقعی حمایت می‌شود، دچار ریسک‌های خاص فعالیت‌های اسلامی از جمله ریسک قیمت و ریسک امانتداری می‌شوند که باید در وزن دهی دارایی‌های در نسبت کفایت سرمایه لحاظ شوند. بنابراین باید نسبت کفایت سرمایه متفاوتی برای بانک‌های اسلامی توسط کمیته بازل در نظر گرفته شود.

زینس و ویل^۴ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "بانکداری اسلامی و ریسک؛ تأثیر بازل ۲" به بررسی تأثیرات الزامات کفایت سرمایه بازل ۲ بر روی مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی و متعارف می‌پردازند. با استفاده از نتایج تحلیل رگرسیونی داده‌ها بیان می‌کنند که، قوانین ارائه شده در زمینه کفایت سرمایه در بیانیه بازل ۲، فاصله ریسک بین بانک‌های متعارف و بانک‌های اسلامی را به ضرر بانک‌های اسلامی بیشتر می‌کند. از طرفی، استاندارد بازل ۲ ریسک‌های مربوط به دارایی‌های اسلامی را در بر نمی‌گیرد و بیان می‌کنند که اجرای این قوانین در کشورهایی که بانکداری اسلامی را اجرا می‌کنند، مانع ثبات مالی مخصوصاً در کشورهایی که فقط بانکداری اسلامی را اجرا می‌کنند، می‌شود.

در ادامه به منظور رعایت محدودیت در تعداد صفحات مقاله، ادامه مطالعات صورت گرفته در این زمینه به صورت اختصار در جدول زیر مرور گشته‌اند:

۱ - Rima Turk Ariss and Yolla Sarieddine

۲ - Islamic Financial Services Board

۳ - Accounting and Auditing Organization For Islamic Financial Institutions

۴ - Alexandra Zins and Laurent Weill

جدول (۲) - خلاصه مطالعات انجام شده خارجی

نام نویسنده	سال	روش تحقیق	عنوان مقاله	نتایج
مولهویان و همکاران	۲۰۰۷	تحلیلی - توصیفی	یک چارچوب کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی	عدم توجه به عامل نماینده و امانتداری در اسلامی و عدم استفاده از کفایت سرمایه به دلیل استفاده از PLS.
رجهی حسیری	۲۰۰۷	تحلیلی - توصیفی	ساختار سرمایه و ریسک مالی در سیستم بانکداری غیر متعارف	بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف در مدیریت ریسک به صورت یکسان عمل می‌کنند.
دالا پلگرینا	۲۰۰۸	روش اقتصادسنجی	نسبت کفایت سرمایه، کارایی، حکومت؛ مقایسه بین بانک اسلامی و غربی	نسبت سرمایه به سپرده رو ناکارآمدی در هر دو سیستم اثر منفی دارد ولی این اثر در اسلامی کمتر است.
میانی و دارادکا	۲۰۰۹	تحلیلی - توصیفی	بانکداری اسلامی و بازل ۲	نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی باید بیشتر از ۸ درصد باشد به دلیل فعالیت در محیطی با ریسک بازل.
لال	۲۰۰۹	تحلیلی - توصیفی	چرا بازل ۲ شکست خورد و بازل ۳ نابود شد.	قوانین بازل ۲ عامل بحران ۲۰۰۸ هستند به دلیل دادن وام رهنی با ریسک بازل.
عبدالکریم و همکاران	۲۰۱۴	روش اقتصادسنجی	کفایت سرمایه و رفتار وام دهی و سپرده‌گیری بانک‌های متعارف و اسلامی	وجود رابطه مثبت بین کفایت سرمایه و وام دهی و سپرده‌گیری در هر دو سیستم بانکداری و بانکداری اسلامی به دلیل استفاده از قاعده PLS دارای ریسک کمتر.

منبع: یافته‌های محقق

الگوهای مختلف بانکداری بدون ربا

در کشورهای دارای بانکداری بدون ربا، نوع خاصی از این نوع بانکداری که غیر از ایران تقریباً در بقیه آنها به مورد اجرا در می‌آید، الگوی بانکداری اسلامی با رویکرد قراردادهای موازی می‌باشد^۱. در این الگو، بانک از یکسو با سپرده‌گذار وارد یک قرارداد سرمایه‌گذاری عام یا خاص (شامل یکی از عقود اسلامی مشارکتی و یا مبادله‌ای) می‌شود طوری که بانک، طرف حساب و معامله سپرده‌گذار و متعهد به او می‌باشد و از سوی دیگر، بانک یک قرارداد اسلامی

۱- مدل دیگری از بانکداری بدون ربا، بانکداری و کالتی می‌باشد که در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مدل بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار اقدام به بستن قراردادهای اسلامی با طرف تسهیلات گیرنده می‌کند و پس از اتمام قرارداد، حق الوکاله خود را به صورت ثابت و یا درصدی از سود، از سپرده‌گذار مطالبه می‌کند.

مشخص دیگر با تسهیلات گیرنده می‌بندد و بطور مستقل از سپرده‌گذار، طرف حساب و معامله با او (تسهیلات گیرنده) می‌شود و بین سپرده‌گذار و تسهیلات گیرنده هیچ ارتباط حقیقی مستقلی وجود ندارد. برای مثال، شعبانی و سیفلو (۱۳۹۰) در زمینه عقد مضاربه‌ای که بانک با سپرده‌گذار در سمت تجهیز منابع انعقاد می‌کند، توضیح می‌دهند که ابتدا بانک و سپرده‌گذار درباره مفاد قرارداد مضاربه توافق کرده و سپرده‌گذار وجوهی را به عنوان سرمایه مضاربه در اختیار بانک قرار می‌دهد. در مرحله بعدی بانک با اعطای تسهیلات در قالب عقد مضاربه دیگر به شخص تسهیلات گیرنده، وجوه را در دارایی‌ها و طرح‌ها، سرمایه‌گذاری کرده و آن را مدیریت می‌کند. بدین ترتیب بانک دو قرارداد مضاربه را با دو طرف، به صورت موازی منعقد می‌کند. در راستای مدل بانکداری قراردادهای موازی محققانی مانند زیشان فرخ (۲۰۱۵)، احمد و خان (۲۰۰۷) و علی ال فیجاوی (۲۰۱۶) به قراردادهای موازی همچون سلم موازی، استصناع موازی و مرابحه موازی در پژوهش خود اشاره کرده‌اند. تفاوت این مدل با مدل وکالتی در این است که در این مدل، وجه واسطه مالی بودن بانک نمود کاملی دارد بر خلاف مدل وکالت که بانک تنها نمایندگی از سپرده‌گذاران را دارد و با توجه به اینکه امین آنها محسوب می‌شود، گویی کارگزار سپرده‌گذاران است و نه واسطه سومی که بین دو طرف سپرده‌گذاران و متقاضیان تامین مالی قرار می‌گیرد و در قبال هر دو طرف مسؤلیت دارد مگر اینکه بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران بخواهد به موکلانش ضمانت بدهد که این کار، توجیه فقهی و حقوقی ندارد (موسویان، ۱۳۸۸).

طرح موضوع کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی

با گسترش فعالیت موسسات مالی اسلامی به دنبال تأسیس اولین بانک اسلامی در سال ۱۹۶۳ در مصر و به تدریج گسترش بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در کشورهای اسلامی، کشورهای جنوب شرقی آسیا و...، استفاده از رویکردهای موجود در بیانیه بال مورد توجه بیشتری از سوی مجامع موسسات مالی اسلامی قرار گرفته است. از طرفی دیگر، لازمه گسترش و موفقیت موسسات مالی اسلامی و درگیری آنان در مراودات مالی بین‌المللی، تدوین استانداردهای یکسان برای فعالیت ایمن و دقیق آن‌ها است. به دنبال این الزام، هیأت

===== ضرورت یا عدم ضرورت پایبندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: ... ۱۹۷

خدمات مالی اسلامی (IFSB)^۱ (که با مسئولیت گسترش صنعت خدمات مالی اسلامی شفاف و احتیاطی در سوم نوامبر ۲۰۰۲ تأسیس شده است) اقدام به تدوین و انتشار استانداردهایی در این زمینه کرد که از میان آنها می‌توان به استانداردهای کفایت سرمایه‌ی بانک‌های اسلامی، که منطبق با استانداردهای بال ۲ و به تازگی بال ۳ در خصوص کفایت سرمایه برای بانک‌ها می‌باشد، اشاره نمود (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

در ادامه به هر از رویکردهای سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی (AAOIFI)^۲ هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB) نسبت به کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی پرداخته می‌شود.

رویکرد AAOIFI نسبت به محاسبه کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی

سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی در ۲۶ فوریه ۱۹۹۰ میلادی در الجزایر تأسیس و در ۲۷ مارس ۱۹۹۱ میلادی در بحرین به ثبت رسید. این سازمان وظیفه هدایت عملیات بازارهای مالی اسلامی و گزارش دهی براساس اصول و قواعد شریعت استاندارد و ارائه استانداردهایی در بازارهای مالی اسلامی که موجبات رشد صنعت را فراهم می‌کند، را دارا می‌باشد.

این هیأت در یازدهمین اجلاس خود که در مه سال ۱۹۹۶ در بحرین برگزار شد، تصمیم گرفت موضوع کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی را با توجه به دستورالعمل‌های صادره توسط بانک تسویه بین‌المللی در توافق بال (سال ۱۹۸۸)، تحت بررسی قرار دهد. پس از بررسی‌های مکرر سرانجام در ژانویه سال ۱۹۹۷ استانداردهای محاسبه کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی را با اهداف:

الف) به طور کلی، متدولوژی نسبت کفایت سرمایه پیشنهادی بانک تسویه بین‌المللی برای بانک

۱-Islamic Financial Services Board: هیأت خدمات مالی اسلامی در سوم نوامبر ۲۰۰۲ با رویکرد تدوین استانداردهای مالی برای موسسات مالی اسلامی، شروع به کار نمود. هدف این نهاد که از مقامات پولی و بانکداری کشورهای مختلف تشکیل شده است، وضع موازین و استاندارد های مختلف منطبق بر شریعت اسلامی، برای موسساتی است که خدمات اسلامی ارائه می‌نمایند. این هیأت با حمایت بانک توسعه اسلامی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان‌های حسابداری و حسابرسی که خدمات لازم برای موسسات مالی اسلامی ارائه می‌دهند، تشکیل شده است.

۲ - Accounting and Auditing Organization For Islamic Financial Institutions

ها را به ترتیبی که در توافقی‌های کمیته بال مقرر شده است را، مدنظر قرار بدهد؛
ب) جایگاه حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود را (در مقررات) مشخص کند. متدولوژی
کمیته بال هیچگونه ذخیره‌ای را برای اقلام طرف بدهی‌ها مانند حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام
در سود که نه جزو وجوه سهامداران محسوب می‌شوند و نه مطلقاً جزو بدهی‌هاست، نگهداری
نمی‌کند؛

به شرح زیر منتشر کرد:

- نسبت کفایت سرمایه یک بانک اسلامی، نسبت سرمایه به دارایی‌های موزون شده بر
حسب ریسک آن می‌باشد؛
- سرمایه بانک‌های اسلامی از دو بخش درجه ۱ و ۲ براساس متدولوژی کمیته بال
محاسبه می‌شوند. به این صورت که سرمایه درجه ۱ شامل، سرمایه دائمی بانک و
ذخایر می‌باشد و سرمایه درجه ۲ شامل ذخایر تجدید ارزیابی و ذخایر احتیاطی (شامل
ذخایر تسویه سود و ذخایر مربوط به خطر سرمایه‌گذاری) که از سرمایه درجه یک
کسر شده‌اند، می‌باشد. همچنین سرمایه درجه ۲ نمی‌تواند از ۵۰ درصد سرمایه درجه ۱
بیشتر باشد؛
- دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک شامل:
 - الف) دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک که از محل سرمایه و بدهی‌های بانک
تأمین مالی می‌شوند؛
 - ب) ۵۰ درصد دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک که از محل حساب‌های
سرمایه‌گذاری سهام در سود تأمین می‌شوند؛
 - ج) اوزان ریسکی که برای محاسبه دارایی‌های ریسک‌دار استفاده می‌شود، همان اوزان
تعیین شده در توافق بال است؛ (بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی
اسلامی، مترجم صدیقه رهبر شمس کار، ۱۳۸۰).

فرمول ارائه شده توسط این سازمان به صورت زیر می‌باشد:

$$CAR = \frac{OC}{W_{OC+L}(OC+L) + W_{PSIA}(0.5 * PSIA)}$$

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{سرمایه کل}}{\text{دارایی‌های موزون بر حسب ریسک} + \text{ریسک از محل حسابهای} + \text{دارایی‌های موزون بر حسب ریسک از محل بدهی و سرمایه بانک}}{\text{سرمایه گذاری سهام در سود} + \text{سرمایه گذاری سهام در سود}}$$

در فرمول ارائه شده از سوی این سازمان برای نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی، حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود در مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه به عنوان دارایی بانک (نه به عنوان سرمایه در صورت کسر) لحاظ شده‌اند. در توضیح این امر باید بیان کرد که، حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود به هیچ یک از انواع سرمایه درجه ۱ و درجه ۲ که توسط این سازمان در فوق اشاره شد، انطباق ندارد. اگر چه در صورت دارا بودن سررسید پنج ساله، این حساب‌ها تا حد زیادی به مفهوم سرمایه درجه ۲ نزدیک هستند، ولی در مورد حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود، دارا بودن چنین سررسید طولانی معمول نیست. از این رو، دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک تا جایی که از محل حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود تأمین می‌شوند، مشمول مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه می‌گردند. بنابراین، تنها تعدیلی که در صورت کسر نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی از سوی سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی نسبت به روش کمیته بال انجام گردید، مشمول کردن ذخایر احتیاطی تشکیل شده در رابطه با حساب‌ها مشارکت در سود در سرمایه درجه ۲ می‌باشد (بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی، مترجم صدیقه رهبر شمس کار، ۱۳۸۰).

از طرفی، موضوع عمده‌ای که برای بانک‌های اسلامی در رابطه با دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک قابل طرح است، در رابطه با نحوه عملکرد دارایی‌های است که از محل

۱- تحت مقررات کمیته بال، حداکثر تا ۱.۲۵ درصد دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک می‌توان جزو سرمایه درجه ۲ محسوب کرد.

حساب های سرمایه گذاری سهام در سود تأمین مالی می شوند. اینکه، اگر این دارایی ها به طور کامل سرمایه بانک را در معرض ریسک قرار نمی دهند (به دلیل ماهیت شریک بودن بانک و سپرده گذار در سود و زیان این حساب ها)، بنابراین ریسک این دارایی ها تا چه حد می تواند باشد؟ و باید با چه نسبتی در مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه وارد بشوند؟

برای پاسخگویی به این سوالات، سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی، سه نوع ریسکی که شامل ریسک تجاری معمول^۱، ریسک امانتداری^۲ و ریسک تجاری جا به جایی^۳ و جوهر^۳ که بانک های اسلامی از مدیریت حساب های سرمایه گذاری سهام در سود منحصرأ با آن روبرو هستند را مد نظر قرار می دهد. در استدلال خود بیان می کند که، اگر چنانچه پذیرفته شود تا آنجایی که به ریسک تجاری معمول مربوط می شود، حساب های سرمایه گذاری سهام در سود، خطر مربوط به خود را بوجود می آورند، پس دلیلی وجود ندارد که در نتیجه مخاطرات ناشی از ریسک تجاری معمول در محاسبه نسبت کفایت سرمایه، حساب های سرمایه گذاری سهام در سود به مخرج کسر کفایت سرمایه اضافه شوند و یا به صورت بخشی از سرمایه احتیاطی بانک در نظر گرفته شوند؛ بلکه به راحتی می شود با خارج کردن سهم دارایی های موزون شده بر حسب ریسک از محل حساب های سرمایه گذاری سهام در سود از مخرج کسر کفایت سرمایه و بکارگیری فرمول تنظیمی کمیته بال برای صورت کسر عمل کرد. بنابراین ریسک تجاری معمول که کاملاً توسط حساب های سرمایه گذاری سهام در سود ایجاد می شود، بر خطری که از سرمایه

۱- Normal Commercial Risk: احتمال اینکه یک شرکت سودهای کمتر از پیش بینی داشته باشد یا زیان را تجربه

کند، ریسک تجاری معمول گفته می شود.

۲- Fiduciary Risk: در صورتی که مدیریت بانک برخلاف قرارداد سرمایه گذاری عمل کند و یا در نتیجه سوء مدیریت یا سهل انگاری در اداره وجوه مقصر باشد، بانک قانوناً در رابطه با ضررهای که از این وجوه متحمل می شوند، مقصر است، به این ریسک، ریسک امانتداری می گویند.

۳- Displaced Commercial Risk: زمانی که بانک اسلامی تحت فشارهای تجاری خود را ملزم به پرداخت نرخ بازده به صاحبان حساب های سرمایه گذاری سهام در سود می داند، این نرخ باید در حدی باشد که صاحبان این حسابها را قانع کند که به جای خارج کردن وجوه خود از بانک و سرمایه گذاری آن در جای دیگر، وجوه خود را نزد این بانک حفظ کنند. اگر این نرخ بازده بالاتر از نرخ باشد که حاصل می شود، بانک باید برای جلوگیری از خروج سپرده ها بخشی از سهم سود خود را صرف نظر کند در صورت عدم موفقیت در این امر موقعیت تجاری بانک با خطر مواجه می شود که به خطر ناشی از این امر ریسک تجاری جابجایی وجوه گفته می شود.

===== ضرورت یا عدم ضرورت پایبندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: ... ۲۰۱

بانک به وجود می‌آید تاثیری نمی‌گذارد. اما بر خلاف آن، ریسک امانتداری و ریسک تجاری جا به جایی وجوه کاملاً توسط سرمایه بانک ایجاد می‌شوند.

ریسک امانتداری ناشی از سهل انگاری مدیریت بانک در رابطه با اداره وجوه حساب‌های سرمایه گذاری سهام در سود به وقوع می‌پیوندد. بنابراین در نظر گرفتن چنین ریسکی ناشی از حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود با تعریف اولیه آن در تناقض است و همچنین ریسک تجاری جا به جایی وجوه نیز ناشی از تصمیم مدیریت بانک است که تشخیص می‌دهد بخشی از ریسکی که به قابلیت بازدهی‌هایی که به وجوه حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود باز می‌گردد، به وجوه سهامداران منتقل کند. بنابراین این ریسک نیز با توجه به تعریف آن به حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود مربوط نمی‌شود.

بنابراین براساس استدلال صورت گرفته و همچنین نتیجه پاسخ سوالات پرسیده شده در این زمینه از صاحب نظران بانکی توسط سازمان حسابداری و حسابرسی خدمات مالی اسلامی، این نتیجه حاصل شد که، کل درصد حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود، که در رابطه با ریسک‌های امانتداری و تجاری جا به جایی وجوه به مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی افزوده می‌شود، ۵۰ درصد باشد (بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی، مترجم صدیقه رهبر شمس کار، ۱۳۸۰). براین اساس ۵۰ درصد ریسک دارایی‌هایی که توسط سپرده‌های سرمایه‌گذاری تأمین مالی شده‌اند به سپرده‌گذاران حساب‌های سرمایه‌گذاری تخصیص می‌یابد و ۵۰ درصد باقی مانده به سهامداران انتقال می‌یابد.

رویکرد IFSB نسبت به محاسبه کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی

هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB) که با مسئولیت گسترش خدمات مالی اسلامی شفاف و احتیاطی در سوم نوامبر ۲۰۰۲ تأسیس شده و فعالیت خود را رسماً در مارس ۲۰۰۳ آغاز کرده است، اقدام به انتشار استانداردهای کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی در مارس سال ۲۰۰۵، براساس استانداردهای ارائه شده در بیانیه بال ۲ کرد. این هیأت در سال ۲۰۱۲ اقدام به ایجاد تغییراتی در مقررات و استانداردهای انتشار یافته در زمینه کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی با توجه به رهنمودهای ارائه شده در بیانیه بال ۳ کرده است. شایان ذکر است که، هیأت خدمات مالی اسلامی در واقع یک سازمان قانون‌گذار بین‌المللی و یک موسسه‌ی نظارتی در خصوص ثبات و صحت صنعت خدمات مالی اسلامی است. در دسامبر سال ۲۰۰۵ توسط اعضای هیأت

خدمات مالی اسلامی موافق گردید تا فعالیت سایر بازارهای مالی اعم از اوراق بهادار و بیمه اسلامی مانند نظام بانکی در غالب فعالیت‌های هیأت خدمات مالی اسلامی قرار بگیرد. از این رو برخی از کشورهای اسلامی، رهنمودهای و فعالیت‌های هیأت خدمات مالی اسلامی را به عنوان مکمل قوانین کمیته نظارتی بانکی کمیته بال، سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار^۱ و موسسه بین‌المللی ناظران بیمه^۲ تعبیر می‌کنند. یکی از اهداف هیأت خدمات مالی اسلامی، ترویج و توسعه محتاطانه و شفاف خدمات مالی اسلامی از طریق معرفی ابزارهای جدید، تطبیق و ایجاد سازگاری استانداردهای بین‌الملل موجود با اصول شرع و توصیه برای تصویب و دنبال نمودن آنها در نظام بانکداری کشورهای اسلامی است (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

بیانیه انتشار یافته توسط هیأت خدمات مالی اسلامی در دسامبر سال ۲۰۰۵، به طور کلی، به دنبال تعیین یک روش استاندارد برای محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی بر اساس استانداردهای ارائه شده توسط کمیته بال، همانند سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی است. اما بر خلاف سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی^۳ که اوزان ریسکی دارایی‌ها را همانند اوزان تعیین شده توسط کمیته بال در نظر گرفته بود، این سازمان به دنبال، شناسایی و اندازه‌گیری ریسک‌های حاصل از تولیدات و خدمات شرعی، و لحاظ کردن وزن ریسک هر یک از قراردادها در اندازه‌گیری نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی است (گزارش هیأت خدمات مالی اسلامی، ۲۰۰۵).

روش شناسایی و اندازه‌گیری کفایت سرمایه در استاندارد IFSB تا حد زیادی براساس رویکرد کمیته بال می‌باشد. البته تغییرات و سازگاری‌های مورد نیاز به منظور فراهم آوردن ویژه‌گی‌ها و خصوصیات خدمات و محصولات منطبق با شریعت اسلام در آن لحاظ شده است. این تغییرات در زمینه حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود می‌باشد؛ که طبق تقسیم بندی هیأت خدمات مالی اسلامی و بانک‌های اسلامی بین‌المللی به دو زیر گروه حساب‌های سرمایه‌گذاری محدود^۴

۱ - International Organization of Securities Commission

۲ - International Association of Insurance Supervisors

۳ - Accounting and Auditing Organization For Islamic Financial Institutions

۴- در حالت محدود، سپرده گذار می‌تواند بانک را در خصوص چگونگی، مکان، مقدار و هدف سرمایه گذاری محدود نموده و به عنوان نمونه وی را مجبور سازد که سپرده‌ها و سرمایه گذاری‌های آنان را به هیچ طریقی در موارد ریسکی و یا بدون

===== ضرورت یا عدم ضرورت پایبندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: ... ۲۰۳

و بدون محدودیت^۱ تقسیم می‌شوند. از طرفی، همانطور که در بخش قبلی بیان شد، در زمینه مدیریت حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود، بانک‌های اسلامی با ریسک تجاری جا به جایی وجوه روبرو هستند که منحصر به بانک‌های اسلامی به ویژه بانک‌هایی که در محیط دوگانه با وجود بانک‌های ربوی کار می‌کنند، می‌باشد.

هیأت خدمات مالی اسلامی با در نظر گرفتن حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود و همچنین ریسک تجاری جا به جایی وجوه ناشی از مدیریت این حساب‌ها، اقدام به انتشار دو نوع فرمول (که در ادامه بیان می‌شود) برای محاسبه نسبت کفایت سرمایه کرد؛ با این دید که، نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی همانند تعریف ارائه شده توسط کمیته بال برای بانک‌های متعارف برابر با، نسبت سرمایه به دارایی‌های موزون شده بر حسب ریسک است.

فرمول استاندارد کفایت سرمایه :

(a) Standard Formula

Eligible Capital

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{Total Risk-weighted Assets (Credit* + Market* Risks) Plus Operational Risks} \\ \text{Less} \\ \text{Risk-weighted Assets funded by PSIA** (Credit* + Market* Risks)} \end{array} \right\}$$

سرمایه قانونی

= نسبت کفایت سرمایه استاندارد

کل دارایی‌های موزون شده برحسب (اعتباری + بازار) + وزن ریسک عملیاتی	-	دارایی‌های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری + بازار) وجوه مربوط به حساب‌های سرمایه‌گذاری مشارکت در سود
--	---	---

در فرمول استاندارد کفایت سرمایه ارائه شده توسط این سازمان، کفایت سرمایه از نسبت سرمایه

ضامن و وثیقه سرمایه‌گذاری نکند. این اختیارات می‌تواند به محدودیت موارد سرمایه‌گذاری منتهی شود.

۱- در حالت بدون محدودیت، بانک مختار است به صلاحدید خود و به دور از اعمال محدودیت سپرده‌گذار، وارد امر سرمایه‌گذاری شود. در این حالت، بانک اسلامی قادر است سرمایه‌های گوناگون خود از جمله منابع حساب‌های جاری را با وجود این سپرده‌گذاران در هم آمیخته و از ترکیب آنان در سرمایه‌گذاری‌های مختلف استفاده نماید.

به دارایی‌های موزون شده به ریسک محاسبه می‌شود با این توضیح که در مخرج آن دارایی‌های تأمین مالی شده توسط حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود محدود و بدون محدودیت، محاسبه نمی‌شود و همچنین ساختار محاسباتی دارایی‌های موزون شده به ریسک بدون در نظر گرفتن ریسک تجاری جا به جایی وجوه در نظر گرفته شده است.

فرمول انعطاف پذیر (دیدگاه مدیریت) نسبت کفایت سرمایه:

(b) Supervisory Discretion Formula

Eligible Capital

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{Total Risk-weighted Assets (Credit* + Market* Risks) Plus Operational Risks} \\ \text{Less} \\ (1 - \alpha) [\text{Risk-weighted Assets funded by PSIA** (Credit* + Market* Risks) }] \\ \text{Less} \\ \alpha [\text{Risk-weighted Assets funded by PER and IRR*** (Credit* + Market* Risks)}] \end{array} \right\}$$

سرمایه فلتونی

= نسبت کفایت سرمایه انعطاف پذیر

کل دارایی‌های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری + بازار) + وزن ریسک عملیاتی	دارایی‌های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری + بازار) مربوط به وجوه $(1 - \alpha) \times$ حساب سرمایه‌گذاری مشارکت در سود	دارایی‌های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری + بازار) مربوط به وجوه ذخیره برابر سازی سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری
---	---	---

این رویکرد زمانی قابل اجرا است که در آن، حساب‌های سرمایه‌گذاری بدون محدودیت به عنوان جایگزین برای سپرده‌های موجود و رایج در بانکداری متعارف مرسوم در نظر گرفته شوند. بنابراین با توجه به این رویکرد، به سهم مشخص (آلفا) از دارایی‌های موزون شده به ریسک که توسط حساب‌های سرمایه‌گذاری بدون محدودیت تأمین مالی شده است، در مخرج کسر کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی در نظر گرفته می‌شود.

منطق پشت این رویکرد، منعکس کردن مقدار ریسک تجاری جا به جایی وجوه^۱ ناشی از

۱- Displaced Commercial Risk: زمانی که بانک اسلامی تحت فشارهای تجاری خود را ملزم به پرداخت نرخ بازده به صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود می‌داند، این نرخ باید در حدی باشد که صاحبان این حسابها را قانع کند که به جای خارج کردن وجوه خود از بانک و سرمایه‌گذاری آن در جای دیگر، وجوه خود را نزد این بانک حفظ کنند. اگر این نرخ

===== ضرورت یا عدم ضرورت پایبندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: ... ۲۰۵

مدیریت ریسک اعمال شده توسط نهاد مالی اسلامی در حساب‌های سرمایه‌گذاری سهام در سود است. تعیین نسبت آلفا ارتباط مستقیم با ساختار نظارتی و احتیاطی دارد که موسسه مالی در آن محیط فعالیت می‌کند.

از طرفی در بیانیه انتشار یافته توسط هیأت خدمات مالی اسلامی همانند بیانیه کمیته بال، حداقل سرمایه نباید کمتر از ۸ درصد باشد و سرمایه درجه ۲ به ۱۰۰ درصد سرمایه درجه یک محدود می‌باشد. (گزارش هیأت خدمات مالی اسلامی، ۲۰۰۵)

در رویکرد هیأت خدمات مالی اسلامی ارقام دارایی‌ها، بدهی و سرمایه یک بانک اسلامی و ضرایب ریسک هر یک به شکل زیر می‌باشد:

الف) ارقام دارایی‌ها و اوزان ریسکی هر یک از دارایی‌ها

- نقد، شبه نقد، سپرده‌های قانونی و اوراق مشارکت دولتی دارای ضریب ریسک صفر درصد؛

- اوراق مشارکت غیر دولتی و سرمایه‌گذاری در سهام پذیرفته شده در بورس دارای ضریب ریسک ۱۰۰ درصد؛

- دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌ها نیز همانند سیستم بانکداری متعارف دارای ضریب ریسک ۱۰۰ درصد می‌باشد؛

- دارایی‌های زیر خط ترازنامه نیز همانند سیستم بانکداری متعارف در مرحله اول با ضرایب مختلف به مبالغ معادل دارایی‌های بالای خط ترازنامه تبدیل شده و سپس ضرایب مختلف ریسک نسبت به آنها اعمال می‌شود؛ (گزارش هیأت خدمات مالی اسلامی، ۲۰۰۵).

تسهیلات اعطایی با توجه به عقود اسلامی، حجم عمده‌ای از پرتفوی تسهیلاتی یک بانک اسلامی را تشکیل می‌دهند. همانطور که بیان شد، سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی اوزان ریسکی را برای دارایی‌های بانک‌های اسلامی به صورتی که کمیته بال در بیانیه بال

بازده بالاتر از نرخ باشد که حاصل می‌شود، بانک باید برای جلوگیری از خروج سپرده‌ها بخشی از سهم سود خود را صرف نظر کند در صورت عدم موفقیت در این امر موقعیت تجاری بانک با خطر مواجه می‌شود که به خطر ناشی از این امر ریسک تجاری جایجایی وجوه گفته می‌شود.

۱ تعیین کرده بود در نظر گرفته است. کمیته بال میانگین اوزان ریسکی را برای مدل‌های فروش اقساطی کالاهای بادوام ۵۰ درصد و برای بقیه دارایی‌ها، ۱۰۰ درصد اعلام نموده است. اما این واقع بینانه نمی‌باشد که قراردادهای اسلامی چنین ریسک بالایی داشته باشند. از این رو، به جای اینکه ضریب ریسک ۱۰۰ درصد و ۵۰ درصد برای عقود (قرارداد) اسلامی لحاظ شود، در استانداردهای ارائه شده توسط سازمان خدمات مالی اسلامی، برای هر یک از عقود ضرایب ریسک ویژه آن عقد که توسط بانک توسعه اسلامی به سرپرستی محقق پاکستانی طریق الله خان و همکاری حبیب احمد (۲۰۰۱) محاسبه شد، لحاظ می‌شود. نتایج این پژوهش به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول (۳) - ضرایب ریسک عقود اسلامی

ریسک عقود	اعتباری		بازار		تقدیسی		عملیاتی	
	مقیاس لیکرت	درصد	مقیاس لیکرت	درصد	مقیاس لیکرت	درصد	مقیاس لیکرت	درصد
مراجعه	۲.۵۶	۵۱.۲	۲.۸۷	۵۷.۴	۲.۶۷	۵۳.۴	۲.۹۳	۵۸.۶
مضاربه	۳.۲۵	۶۵	۳.۰	۶۰	۲.۴۶	۴۹.۲	۳.۰۸	۶۱.۶
مشارکت	۳.۶۹	۷۳.۸	۳.۴	۶۸	۲.۹۲	۵۸.۴	۳.۱۸	۶۳.۶
اجاره	۲.۶۴	۵۲.۸	۲.۹۲	۵۸.۴	۳.۱	۶۲	۲.۹	۵۸
استصناء	۳.۱۳	۶۲.۶	۳.۵۷	۷۱.۴	۳.۰	۶۰	۳.۲۹	۶۵.۸
سلم	۳.۲۰	۶۴	۳.۵۰	۷۰	۳.۲۰	۶۴	۳.۲۵	۶۵
مشارکت کاهشی	۳.۳۳	۶۶.۶	۳.۴	۶۸	۳.۳۳	۶۶.۶	۳.۴	۶۸

منبع: Khan & Ahmed, 2001

رتبه بندی براساس طیف لیکرت^۱ دارای مقیاسی از ۱ تا ۵ است که عدد ۱ نشان دهنده «ریسک

۱- مقیاس لیکرت یکی از رایج ترین مقیاس های اندازه گیری در تحقیقاتی است که براساس پرسشنامه انجام می شود و توسط رنسیس لیکرت (۱۹۸۱-۱۹۰۳) ابداع شده است. در این مقیاس یا طیف محقق با توجه به موضوع تحقیق خود، تعداد گویه را در

===== ضرورت یا عدم ضرورت پایبندی به الزامات کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا: ... ۲۰۷

ندارد» و عدد ۵ نشان دهنده «به طور بحرانی ریسکی» می‌باشد. به طور کلی، هر چقدر به سمت عدد ۵ پیش می‌رویم نشان دهنده ریسکی بودن قرارداد مورد نظر است.

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، قرارداد مباحه دارای کمترین میزان ریسک در بین عقود اسلامی از لحاظ ریسک‌های اعتباری، بازار، عملیاتی و نقدینگی (بجز قرارداد مضاربه) را دارا می‌باشد. که به نوعی تقریباً با وزن ریسکی ۵۰ درصد تعیین شده توسط کمیته بال برای این عقد همخوانی دارد، ولی بقیه عقود طبق یافته‌های نشان داده شده در جدول شماره ۱، ریسکی پایین‌تر از ۱۰۰ درصد تعیین شده توسط کمیته بال برای این عقود را دارا می‌باشند. این یافته نشان دهنده متفاوت بودن کارکرد بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف و همچنین پایین بودن ریسک عملیات بانکداری اسلامی می‌باشد. بنابراین، چنانچه به جای در نظر گرفتن وزن ریسکی ۱۰۰ درصد برای این عقود در محاسبه نسبت کفایت سرمایه، اوزان ریسکی تعیین شده توسط بانک توسعه بین‌المللی بکار رود، نیاز به نگهداری نسبت کفایت سرمایه‌ی کمتری برای بانک‌های اسلامی بر خلاف دیدگاه کمیته بال می‌باشد.

ب) ارقام بدهی و سرمایه بانک اسلامی :

- حسابهای جاری و پس انداز؛
- سایر بدهی‌ها؛
- حقوق حساب‌های سرمایه‌گذاری مشارکت در سود (PSIA)^۱؛
- حساب سرمایه‌گذاری مشارکت در سود (PSIA)؛
- ذخیره برابر سازی سود (PER)^۲؛
- ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری (IRR)^۳؛

اختیار شرکت کنندگان قرار می‌دهد تا براساس گویه‌ها و پاسخ‌های چندگانه، میزان گرایش خود را مشخص کنند. معمولاً در مقیاس لیکرت از حالت پنج گانه استفاده می‌شود که یک بیانگر کاملاً موافق و ۵ بیانگر کاملاً مخالف است. اما می‌توان از حالت ۷ و ۹ گانه نیز استفاده کرد. سپس هر از گویه‌ها از نظر عددی ارزش‌گذاری می‌شوند، حاصل این ارزش‌ها نمره را در این مقیاس به دست می‌دهد که بیانگر گرایش پاسخ دهندگان است.

۱ - Profit Sharing Investment Accounts (or *Muḍārabah* Investment Account)

۲ - Profit Equalisation Reserve

۳ - Investment Risk Reserve

- حقوق صاحبان سهام؛ (گزارش هیأت خدمات مالی اسلامی، ۲۰۰۵).

در این رویکرد اعتقاد به ۸ درصد نسبت کفایت سرمایه همانند استاندارد کمیته بال برای بانک های متعارف نیز برای بانک های اسلامی وجود دارد، اما بر خلاف رویکرد AAOIFI در این نسبت از اوزان ریسکی مورد استفاده توسط کمیته بال برای محصولات شریعت اسلامی استفاده نشده است و مطابق با استانداردهای خود اقدام به وزن دهی به دارایی های بانک های اسلامی می کنند و همچنین برخلاف رویکرد AAOIFI دارایی های مربوط به حساب های سرمایه گذاری سهام در سود از دارایی های موزون بر حسب ریسک کسر می شود.

تقابل دیدگاه های رقیب

در این قسمت به منظور پاسخگویی به سوال پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه های مختلف در زمینه بکارگیری الزامات کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی پرداخته می شود. شایان ذکر است، در زمینه به کارگیری الزامات کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی، دو نوع دیدگاه وجود دارد که در ادامه به بیان نظریات برخی از محققان در زمینه هر یک از دیدگاه ها پرداخته می شود.

دیدگاه اول: این گروه اعتقاد دارند سیستم بانکداری اسلامی کلاً متفاوت از بانکداری متعارف بوده و استانداردهای کفایت سرمایه کاربردی ندارد. از جمله موافقان این دیدگاه می توان به محققان زیر اشاره کرد:

لوسیا دالا پلگرینا^۱ (۲۰۰۸) با بیان اینکه سپرده گذاران نیز مانند سهامداران به دلیل استفاده از قاعده PLS^۱ نسبت به باقیمانده سود ادعا دارند. بنابراین رابطه بین پیش شرط های الزامات سرمایه و عملکرد بانک ها در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف ضعیفتر است. ایشان با بررسی ۱۵ بانک متعارف و ۱۵ بانک اسلامی در طول دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۲ بیان می کند که نسبت سرمایه به سپرده روی ناکارآمدی در هر دو سیستم بانکداری تأثیر منفی می گذارد ولی این تأثیر در بانکداری اسلامی نسبت به متعارف کمتر است، برای اینکه بهره سپرده های اسلامی نزدیک به سود است و منفعت سهامداران در راستای عملکرد واقعی است، بنابراین تأثیر سرمایه در

۱ - Lucia Dalla Pellegrina

۲ - Profit-and- Loss Sharing

بانکداری اسلامی باید یکنواخت باشد و کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی معنایی ندارد. الیزابتا مونتانو^۱ (۲۰۱۰)، ابتدا با بیان و معرفی نحوه عملکرد بانکداری اسلامی در سمت تجهیز و تخصیص منابع و همچنین چگونگی کارکرد قاعده PLS در بانکداری اسلامی، بیان می‌کند که، بکارگیری استانداردهای کفایت سرمایه در کشورهایی که بانکداری اسلامی را اجرا می‌کنند، موجب یکسان کردن استانداردهای عملیات بانکداری در همه کشورهای اجرا کننده و مانع از بروز آربیتراژ^۲ در تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌گردد. از طرفی رعایت کردن حداقل کفایت سرمایه نشان دهنده‌ی عملکرد مناسب بانک‌های اسلامی به عنوان یکی از معیارهای سنجش سلامت بانکی است که موجبات همکاری ناظران بانکی، از حیث رعایت کردن استانداردهای کمیته بال را ممکن می‌کند. اما از طرف دیگر، قوانین یکسان در کشورهای مختلف و با فرهنگ‌های متفاوت، باعث ناکارآمدی و رقابت ناعادلانه به ضرر کشورهایی که پیشرفته نیستند می‌شود. در ادامه بیان می‌کند که وارد کردن الزامات سرمایه‌ای بال در بانکداری اسلامی ناپخته و غیر عقلانی است چون مغایر با قوانین اولیه اسلامی می‌باشد. برای مثال سود علی‌الحساب و تضمین در بانکداری اسلامی نباید باشد ولی به دلیل ریسک تجاری جا به جایی وجوه مجبور هستند تضمین بدهند. از طرفی اعتقاد دارد که کمیته بال به دلایل زیر تقسیم بندی بین بانک‌های متعارف و اسلامی از حیث به کارگیری استانداردهای کفایت سرمایه را انجام نداده است:

- به دلیل نداشتن قدرت مالی و نداشتن کرسی کشورهای اسلامی در کمیته بال؛
 - متفاوت بودن قوانین اسلامی در کشورهای اسلامی مختلف؛
 - وجود مشکلات در زمینه سنجش دارایی‌های بانک‌های اسلامی؛
 - وجود دو فرم از استانداردهای کفایت سرمایه برای بانکداری متعارف و اسلامی موجب گمراهی مردم در تعیین عملکرد مناسب بانک‌ها می‌شود؛
- بنابراین به جای استفاده از قوانین بال در بانکداری اسلامی برای حفاظت از مشتریان، بهتر است

۱ - Elisabetta Montanaro

۲- استفاده از تفاوت قیمت در مکان‌های مختلف به منظور کسب سود بیشتر را آربیتراژ می‌گویند. در زمینه بانکداری، کشورهایی که سود بیشتر برای حساب‌های سرمایه‌گذاری می‌پردازند، موجب انتقال منابع از کشورهایی با پرداخت سود کمتر به سمت این کشورها می‌شود. با توجه به رعایت کردن استانداردهای کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی و اتخاذ شیوه‌های قطعی و یکسان سرمایه‌گذاری بین کشورها، مانع از بروز آربیتراژ در تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌گردد.

از یک روش عملگرایانه که حاصل تفکر عمیق در ویژگی‌های خاص بانکداری اسلامی باشد، استفاده گردد.

الکساندار زینس و لارنت ویل^۱ (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که، قوانین ارائه شده در زمینه کفایت سرمایه در بیانیه بال ۲، فاصله ریسک بین بانک‌های متعارف و بانک‌های اسلامی را به ضرر بانک‌های اسلامی بیشتر می‌کند. به این ترتیب که:

- ریسک بازپرداخت را برای بانکداری متعارف کاهش می‌دهد ولی برای بانکداری اسلامی افزایش می‌دهد.
- ریسک اعتباری را برای هر دو سیستم بانکداری افزایش می‌دهد ولی این افزایش برای بانکداری اسلامی بیشتر است.

آنها در زمینه ادعای خود استدلال می‌کنند که قوانین بال ۲ به صورت کلی طراحی شده است که ریسک را برای بانکداری متعارف کاهش دهد، از طرفی ویژه‌گی‌های خاص بانکداری اسلامی از جمله قاعده PLS و نیازمندی به شفافیت بیشتر در موسسات مالی اسلامی، اجازه نمی‌دهند که قوانین بال ۲ به منظور کاهش ریسک در بانکداری اسلامی موفق عمل کند. از طرفی بال ۲ ریسک‌های مربوط به دارایی‌های اسلامی را در بر نمی‌گیرد و بیان می‌کنند که اجرای این قوانین در کشورهایی که بانکداری اسلامی را اجرا می‌کنند، مانع ثبات مالی مخصوصاً در کشورهایی که فقط بانکداری اسلامی اجرا می‌کنند، می‌شود.

دیدگاه دوم: این گروه موافق اجرای استانداردهای کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی با اعمال تغییراتی در نسبت کفایت سرمایه هستند.

محمد عبیدالله^۲ (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که کاربرد یکسان کفایت سرمایه برای هر دو بانک اسلامی و متعارف تبعیض آمیز بوده و مغایر با هدف قوانینی که درصدد ایجاد شرایط یکسان رقابتی برای بانک‌ها در سرتاسر جهان هستند، می‌باشد. دلیل این امر در متفاوت بودن کارکرد سیستم بانکداری اسلامی به لحاظ ریسک و مقدار آن از بانکداری متعارف است. چرا که بانک‌های اسلامی با استفاده از قاعده PLS می‌توانند ریسک را به دوش سپرده‌گذاران انتقال

۱ - Alexandra Zins and Laurent Weill

۲ - Mohammad Obaidullah

دهند و از این حیث ریسک بانکداری اسلامی کمتر می‌باشد، از طرفی بیان می‌کند که حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری بایستی ریسک را تجربه کنند و جزو سرمایه بانک‌ها محسوب شوند. در نتیجه اعتقاد دارد که بالا بودن کفایت سرمایه مانع از ورشکستگی بانک‌ها می‌شود ولی به دلیل عوامل ذکر شده باید فرمول متفاوت برای بانک‌های اسلامی در نظر گرفته شود.

ریمای ترک آریس و یولا سری الدین^۱ (۲۰۰۷) به بررسی نسبت کفایت سرمایه ارائه شده توسط IFBS^۲ و AAOIFI^۳ می‌پردازند و بیان می‌کنند، از آنجایی که بانک‌های اسلامی از قاعده PLS استفاده می‌کنند در نتیجه سپرده‌گذاران در این سیستم نقش خشی ندارند و از طرفی از آنجایی که فعالیت‌های اسلامی از دارایی‌های واقعی حمایت می‌شود، بنابراین علاوه بر ریسک‌های موجود در بانکداری متعارف، دچار ریسک‌های خاص فعالیت‌های اسلامی از جمله ریسک قیمت، ریسک امانتداری و ریسک تجاری می‌شوند که باید در وزن دهی دارایی‌های در نسبت کفایت سرمایه لحاظ شوند و پیشنهاد می‌دهند که بانک‌های اسلامی برای کاهش ریسک‌های خود از ابزارهای مشتقات استفاده کنند.

مستورا عبدال کریم و همکاران^۴ (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که رابطه مثبت و معنا دار بین کفایت سرمایه و وام‌دهی و سپرده‌گیری در هر دو سیستم بانکداری اسلامی و متعارف وجود دارد و عامل اصلی بحران ۲۰۰۷ را در کمبود کفایت سرمایه بانک‌ها و همچنین پایین بودن رشد سرمایه از رشد اعتبار کلی و ریسکی دارایی‌های بانک (بحران عدم انطباق سپرده‌های کوتاه مدت با سرمایه‌گذاری بلند مدت) در طول دوران بحران می‌دانند که تأثیر منفی روی فعالیت‌های اقتصادی بانک می‌گذارد، بیان می‌کنند. از طرفی اعتقاد دارند که بانک‌های اسلامی به دلیل کاربرد قراردادهای PLS دچار ریسک کمتری از بانکداری متعارف می‌شوند ولی این ادعا فقط

۱ - Rima Turk Ariss and Yolla Sarieddine

۲-Islamic Financial Services Board: هیأت خدمات مالی اسلامی در سوم نوامبر ۲۰۰۲ با رویکرد تدوین استانداردهای مالی برای مؤسسات مالی اسلامی، شروع به کار نمود. هدف این نهاد که از مقامات پولی و بانکداری کشورهای مختلف تشکیل شده است، وضع موازین و استاندارد های مختلف منطبق بر شریعت اسلامی، برای موسساتی است که خدمات اسلامی ارائه می‌نمایند. این هیأت با حمایت بانک توسعه اسلامی، صندوق بین المللی پول و سازمان‌های حسابداری و حابرسی که خدمات لازم برای مؤسسات مالی اسلامی ارائه می‌دهند، تشکیل شده است.

۳ - Accounting and Auditing Organization For Islamic Financial Institutions

۴ - Mastura Abdul Karim, M.Kabir Hassan, Taufiq Hassan, Shamsheer Mohamad

در حد نظریه می‌باشد، ولی در جهان واقعی به دلیل عدم انطباق اطلاعات (عدم شفافیت) و نقوص بازار این اتفاق نمی‌افتد. بنابراین از حیث ایجاد سلامت بانکی، رعایت استاندارد کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی ضروری است ولی به دلیل ریسک‌های خاص اسلامی باید مطابق با شرایط اسلامی نسبت کفایت سرمایه بازبینی و تعیین شود.

وسیم رجھی و سلیم احمد حسیری^۱ (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که ساختار سرمایه به دلیل وجود حساب‌های سرمایه‌گذاری در بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف تفاوت زیادی دارد و با بررسی ساختار کفایت سرمایه از دید AAOIFI و IFSB بیان می‌کنند که بانکداری اسلامی و متعارف در مدیریت ریسک شبیه به هم عمل می‌کنند و همچنین قوانین سرمایه پیشنهادی برای کفایت سرمایه بانکداری اسلامی توسط IFSB و AAOIFI در صدد افزایش قابلیت باز پرداخت و کیفیت قراردادهای PLS می‌باشد.

استفان میانی و دیمه دارادکا^۲ (۲۰۰۹) با بررسی روند شکل‌گیری، توسعه بانکداری اسلامی و تفاوت موجود در زمینه نسبت کفایت سرمایه بیان شده از سوی AAOIFI که تمرکز اصلی را روی منابع مالی بانک‌های اسلامی می‌گذارد ولی IFSB قدم فراتر گذشته و با در نظر گرفتن نحوه بکارگیری از این منابع و همچنین تعیین میزان ریسک مناسب برای دارایی‌های بانک‌های اسلامی می‌پردازند. آنها استدلال می‌کنند که نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی باید بیشتر از ۸ درصد باشد، به دلیل خدمات منحصر بفرد ارائه شده توسط بانکداری اسلامی و همچنین فعالیت در محیطی که دارای ریسک بالاتر از متعارف می‌باشد.

محمد عمر چپرا و طریق الله خان^۳ (۲۰۰۰) پژوهشی که برای بانک توسعه بین‌المللی انجام دادند، پس از تعیین وزن و ریسک خدمات ارائه شده مالی اسلامی بیان می‌کنند که در استاندارد کفایت سرمایه به جای در نظر گرفتن ۵۰ درصد از دارایی‌های حساب‌های سرمایه‌گذاری، باید ۱۰۰ درصد دارایی‌های حساب‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود، به دلایل زیر:

۱ - Wassim Rajhi and Slim Ahmed Hassairi

۲ - Stefano Miani and Demeh Daradkah

۳ - M.Umer Chapra and Tariqullah Khan

۱. حساب‌های سرمایه‌گذاری نمی‌توانند به عنوان سرمایه درجه ۱ محسوب شوند زیرا سپرده‌گذاران هر لحظه می‌توانند پولشان را به دلیل سررسید محدود از بانک خارج کنند؛

۲. از طرفی دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری حق رأی ندارند، پس نمی‌توانند جزو سرمایه درجه ۱ محسوب شوند.

دادانگ موله‌یوان و همکاران^۱ (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که بانک‌های اسلامی عامل نماینده^۲ و امانتداری^۳ را به صورت همزمان در حضور سپرده‌های سرمایه‌گذاری و قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز) انجام می‌دهند و این در حالی است که قوانین سرمایه‌کنونی تنها روی توانایی باز پرداخت بانک‌ها تاکید دارند و توجه کافی به عامل نماینده و امانتداری در بانک‌های اسلامی نمی‌کنند. بنابراین در جهت تقویت دو نقش ذکر شده پیشنهاد می‌کنند که باید بانک‌های اسلامی را ملزم به داشتن سرمایه کافی و ارائه شفافیت مالی کرد. از طرفی بیان می‌کنند که اگر بانک‌های اسلامی براساس ساختار PLS کار کنند، نیازی به ساختار کفایت سرمایه ندارند اما به دلیل عدم تقارن اطلاعات و ریسک‌گریزی سرمایه‌گذاران، نیاز به ملزم کردن الزامات کفایت سرمایه برای حفظ ثبات سیستماتیک ولی با لحاظ کردن ساختار دارایی و عملکرد بانک‌های اسلامی وجود دارد.

اندازه‌ی بانک نیز پیامدهایی برای کفایت سرمایه دارد. بیشتر بانک‌های اسلامی نسبتاً کوچک هستند و چون بانک‌های کوچک نمی‌توانند همانند بانک‌های بزرگ به دارایی‌های پرتفولوی خود تنوع بخشند، نیازمند مقدار بیشتری از سرمایه برای جلب اعتماد مشتری و ادامه فعالیت خود دارند، به همین دلیل قانون‌گذاران در برخی از کشورها بانک‌ها را ملزم به تقویت سرمایه‌شان می‌نمایند. برای نمونه بانک مرکزی امارات متحده عربی (۲۰۰۹)، در بیانیه مربوط به استاندارد کفایت سرمایه خود بیان کرده است که این نسبت برای بانک‌های این کشور ۱۱ درصد می‌باشد که می‌تواند تا ۱۲ درصد نیز افزایش یابد و همچنین نسبت سرمایه درجه ۲ به سرمایه درجه یک

۱ - Dadang Muljawan, Humayon A.dar, Maximilian J.B.hall

۲ - Principal- agent

۳ - Fiduciary

را ۶۷ درصد در نظر گرفته است.

داوود منظور و مهدی یادی پور (۱۳۸۷) در پژوهش خود به بررسی کفایت سرمایه در جایگاه معیاری برای تشخیص سلامت بانکی که از جانب کمیته بال معرفی شده است می‌پردازند. آنها بیان می‌کنند که، تفاوت بانکداری اسلامی از متعارف در به کارگیری قراردادهای مبتنی بر PLS است که میزان ریسک و در نتیجه میزان کفایت سرمایه بانکداری اسلامی را از متعارف تغییر می‌دهد. بنابراین نتیجه می‌گیرند که به دلیل تفاوت‌های ذکر شده نیاز به تجدید در بیانیه بال درباره نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌ها اسلامی ضروری است.

شایان ذکر است که رویکرد سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی و همچنین رویکرد هیأت خدمات مالی اسلامی در زمره گروه دوم قرار می‌گیرد.

خلاصه و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر با محور قرار دادن موضوع الزامات کفایت سرمایه، درصدد پاسخ به این سوال بودیم که آیا پابندی و بکارگیری الزامات کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی به همان میزان که در بانکداری متعارف ضرورت دارد، ضروری است یا خیر؟ بدین منظور، به بررسی نظرات محققان اقتصادی در این زمینه پرداخته شد. با بررسی این نظریه‌ها مشخص گردید که در این زمینه دو گروه صاحب نظر وجود دارد:

گروه اول: اعتقاد به عدم کارایی استانداردهای کفایت سرمایه متعارف در بانکداری اسلامی دارند و در حمایت از دیدگاه خود چنین استدلال می‌کنند که:

- نسبت سرمایه به سپرده رو ناکارآمدی در هر دو سیستم اثر منفی دارد ولی این اثر در اسلامی کمتر است.
- کاربرد قوانین یکسان در کشورها مختلف باعث ناکارآمدی و رقابت ناعادلانه به ضرر کشورهای غیر پیشرفته (که عمدتاً کشورهای اسلامی غیر پیشرفته هستند) است، بنابراین قوانین سرمایه‌ای بال در اسلامی کاربردی ندارد.
- قوانین بال ۲ منجر به افزایش ریسک برای بانک‌های بدون ربا می‌شود، به دلیل استفاده از قاعده PLS اجازه کاهش ریسک توسط قوانین بال در بانکداری بدون ربا داده نمی‌شود.

گروه دوم: موافق اجرای استانداردهای کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی هستند البته با اعمال تغییراتی در نسبت کفایت سرمایه متناسب با ویژگی‌های بانکداری اسلامی. افراد این گروه خود دارای دو نوع دیدگاه مختلف و متضاد می‌باشند:

گروه الف) اعتقاد به تغییری دارند که منجر به نگهداری سرمایه بیشتر نسبت به متعارف می‌شود و در حمایت از دیدگاه خود چنین استدلال می‌کنند:

- فعالیت‌های بانکداری بدون ربا از دارایی‌های واقعی حمایت می‌کنند، بنابراین علاوه بر ریسک‌های موجود در بانکداری متعارف، دچار ریسک‌های خاص فعالیت‌های اسلامی از جمله ریسک قیمت، ریسک امانتداری و ریسک تجاری می‌شوند که باید در وزن دهی دارایی‌های در نسبت کفایت سرمایه لحاظ شوند.
- بیشتر بانک‌های اسلامی نسبتاً کوچک هستند و چون بانک‌های کوچک نمی‌توانند همانند بانک‌های بزرگ به دارایی‌های پرتفولوی خود تنوع بخشند، نیازمند مقدار بیشتری از سرمایه برای جلب اعتماد مشتری و ادامه فعالیت خود دارند.
- حساب‌های سرمایه‌گذاری نمی‌توانند به عنوان سرمایه درجه ۱ محسوب شوند زیرا سپرده‌گذاران هر لحظه می‌توانند پولشان را به دلیل سررسید محدود از بانک خارج کنند؛ از طرفی دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری حق رأی ندارند، پس نمی‌توانند جزو سرمایه درجه ۱ محسوب شوند. بنابراین باید با وزن ریسکی ۱۰۰ درصد در فرمول کفایت سرمایه وارد شوند.

گروه ب) اعتقاد به تغییری دارند که منجر به نگهداری نسبت سرمایه کمتر نسبت به بانکداری متعارف می‌شود و در حمایت از دیدگاه خود چنین استدلال می‌کنند:

- وجود ریسک‌هایی که قراردادهای منحصر بفرد اسلامی منطبق با شریعت ایجاد می‌کنند؛
- استفاده از قاعده PLS و همچنین استفاده از صکوک اسلامی منجر به کاهش ریسک برای بانکداری بدون ربا می‌شود.
- نسبت سرمایه به سپرده رو ناکارآمدی در هر دو سیستم اثر منفی دارد ولی این اثر در اسلامی کمتر است.

- رابطه مثبتی بین کفایت سرمایه و وام دهی در هر دو سیستم بانکداری وجود دارد که منجر به افزایش ریسک نظام بانکی می‌شود ولی بانکداری بدون ربا به دلیل استفاده از قاعده PLS ریسک کمتری را متحمل می‌شود.
- تعیین و لحاظ کردن ضریب ریسک هر یک از عقود اسلامی به جای در نظر گرفتن ضریب ریسک ۵۰ درصد برای قرارداد مباحه و ۱۰۰ درصد سایر عقود اسلامی تعیین شده توسط کمیته بال.

در نهایت، با توجه به اینکه رعایت الزامات کفایت سرمایه تعیین شده توسط کمیته بال به لحاظ جلوگیری از ورشکستگی بانک‌های متعارف حائز اهمیت فراوان می‌باشد؛ با اتکاء به نظرات محققان اقتصاد اسلامی در زمینه بکارگیری الزامات کفایت سرمایه برای بانکداری اسلامی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که رعایت الزامات کفایت سرمایه برای سیستم بانکداری اسلامی محل سؤال و بحث‌های علمی مهمی است و لذا تبعیت بی‌چون و چرا از مصوبات کمیته بال در بانکداری اسلامی، منوط به بررسی‌های بیشتر در این زمینه و نیل به نتیجه‌ای متقن و مورد توافق است. البته نباید فراموش کرد که صحت این بیان، در گرو اجراء واقعی (غیر صوری) بانکداری بدون ربا است و نه بانکداری که در عمل تفاوت چندانی با بانکداری متعارف ندارد لذا این بیان، برای شرایط حال حاضر کشور ما مصداق ندارد.

منابع

- آئین نامه کفایت سرمایه (۱۳۸۲)، مصوب یک هزار و چهاردهمین جلسه شورای محترم پول و اعتبار، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری.
- آئین نامه کفایت سرمایه (۱۳۸۲)، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری.
- بررسی مفاد پیش نویس بال (۱۳۹۰)، بانک ملی، شماره‌های ۱۷۵ و ۱۷۶.
- پاشایی فام، رامین (۱۳۹۱)، بررسی نقش مقررات و اصول کمیته بال در نظام بانکی کشور، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی.
- پهلوان زاده، مسعود (۱۳۸۶)، مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها (براساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل)، نشریه عملی - تخصصی روند، شماره‌های ۵۲ و

- رحیمیان، نظام الدین، منصوریان نظام آباد، رضا و محجوب، محمدرضا (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط بین عملکرد و نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور، مطالعه موردی (بانک‌های تجاری دولتی، خصوصی و اصل ۴۴)، **مجله بررسی‌های حسابداری**، دوره ۲، شماره ۵.
- شعبانی، احمد و سیفیلو، سجاد (۱۳۹۰)، مقایسه تطبیقی بانکداری و کالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید، **معرفت اقتصاد اسلامی**، سال ۳، شماره ۱-۵.
- میشکین، فردریک (۱۹۹۵)، **پول، ارز و بانکداری**، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسائیان، چاپ دهم (۱۳۹۰)، انتشارات سمت.
- فلاح شمس، میرفیض و عباس زاده، حسن (۱۳۸۶)، مقایسه تطبیقی کفایت سرمایه در بیانیه بال اول و دوم کمیته بال، **فصلنامه علمی - تخصصی روند**، شماره ۵۴-۵۵، ص ۱۱ تا ۳۸.
- محسنی، حسین (۱۳۹۳)، **مبانی بانکداری با رویکرد مالی**، انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس، چاپ اول.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و صفری، محمد (۱۳۸۸)، بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، **فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۶.
- منظور، داود و یادی پور، مهدی (۱۳۸۷)، کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی، **فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی**، سال ۸، شماره ۲۹.
- موسویان، سید عباس و میثمی، حسین (۱۳۹۴)، بررسی ساختار عملیات مطلوب بانکداری اسلامی، **فصلنامه روند**، سال ۲۲، شماره ۷۲، صفحات ۳۹-۸۲.
- محمودوند، رحیم و محمدی، مهناز (۱۳۸۶)، بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلات در بانک‌ها و موسسات مالی، **فصلنامه روند**، سال ۱۷، شماره ۵۲-۵۳، صفحات ۶۳-۸۴.
- رهبرشمس کار، صدیقه (۱۳۸۰)، محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی: بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی، **بانک و اقتصاد**، شماره ۱۸.
- Abdual Karim, Mastura & Hassan, M.kabir & Hassan, Taufiq & Mohamad, Shemsher (2014). Capital adequacy and lending and deposit behaviors of conventional and Islamic banks, **Pacific-Basin Financial Journal**. No 28. 58-75.
- Ali al-Fijawi, Mohammed Farid (۲۰۱۶), « *SALAM (FORWARD SALE) AND ISTIḤNĀN (MANUFACTURE CONTRACT) IN MODERN APPLICATIONS: A MAQḶḶID AL-SHARĪḶAH PERSPECTIVE*», **International Journal of Business, Economics and Law**, Vol. 9, Issue 5
- Dalla Pellegrin, Lucia (2008), «capital adequacy ratios, efficiency and governance: a comparison between Islamic and western bank», **Source: RePEc**

- Islamic Financial Services Board (2012), **Exposure Draft – 15**. Revised Capital Adequacy Standard for Institutions Offering Islamic Financial Services [Excluding Islamic Insurance (Takaful) Institutions and Islamic Collective Investment Schemes.
- Islamic Financial Services Board, Capital Adequacy Standard For Institution Offering Only Islamic Financial Services, (2005), **Exposure Draft No 2**.
- Khan. T & H. Ahmed (2001), «Risk Management, *An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry*», **Occasional Papers 91**, The Islamic Research and Teaching Institute (IRTI).
- Lall.Ranjit (2009), «why basel 2 failed and basel 3 is doomed», **GEG Working Paper**, vol 52
- Masood, O., & Fry, J. (2011), «*Risk management and the implementation of the Basel accord in emerging countries: An application to Pakistan*» (**Personal Archive Paper, id 34163**). RePEc, Munich.
- Miani, Stefano & Daradkah, Demeh (2009), «Islamic Banking and Basel 2», **submission to the second conference for the faculty of business (University of Jordan)**.
- Muljawan, Dadang & A.dar, Humayon & J.B.Hall, Maximilian (2007), «Acapital adequacy framework for Islamic banks: the need to reconcile depositors risk aversion with managers risk taking», **Loughborough University Institutional Repository**.
- Obaidullah, Mohammed (1998), «capital adequacy norms for Islamic financial institutions», **Islamic Economics Studies**, No1.
- Rajhi, Wassim & Ahmed Hassairi, Slim (2007), «capital structure and financial risks in Non- conventional banking system», **international journal of economics and finance**, Vol 4, No 4.
- Turk Ariss, Rima & Sarieddine, Yolla (2007), «challenge in implementing capital adequacy guidelines to Islamic banking», **Journal of banking regulation**, Vol 9, 46-59.
- Zeeshan Farrukh, Muhammad(2015), «THE ANALYSIS OF APPLICATION OF SALAM & ISTISNA’A IN ISLAMIC FINANCIAL INDUSTRY», **Journal of Islamic Banking and Finance**, January 23.
- Zins, Alexandra & Weill, Laurent (2017), Islamic banking and risk: the impact of basel 2, **Pacific-Basin Financial Journal**.